

# بودیزم به روایت ماسائو آبه

علیرضا هدائی<sup>۱</sup>

## چکیده:

عموماً بوداییان را پیروان بودا قلمداد می‌کنند و اصول این آیین را عودات، زیورها، یا گنجینه‌های سه‌گانه پناه بردن به بودا، درمه، و سنگه می‌دانند که بعدها در تبت عوذة چهارم پناه بردن به لاما به معنای معلم نیز بدان افزوده شده است. اما در حقیقت باید بودیزم را با مشخصه دیگری متمایز ساخت، و این مشخصه همان «چهار حقیقت شریف» است که در نخستین موعظه بودا در سارنات در نزدیکی بنارس - پس از آنکه تصمیم گرفت به روشنی خویش اکتفا نکند و به تبلیغ پردازد - مطرح شده‌اند. اولین حقیقت شریف، وجود رنج است که هنگام تولد و مرگ و بیماری و پیری رخ می‌نماید. دومین حقیقت، علت این امر را وجود آرزو می‌داند. سومین حقیقت، توجه را به این نکته جلب می‌کند که چون رنج بردن علت دارد پس می‌توان آن را با از بین بردن علتش از میان برداشت. و چهارمین حقیقت، دستورالعملی دقیق برای از میان بردن این علت به دست می‌دهد که برنامه‌ای هشت ماده‌ای معروف به «طریق هشتگانه» است. مقاله حاضر به شناساندن این امور و نیز وضعیت بودیزم در جهان معاصر می‌پردازد.

**کلیدواژگان:** بودا، بودیزم، طریق هشتگانه، عودات سه‌گانه، چهار

حقیقت شریف.

---

<sup>۱</sup> استاد یار دانشکده الهیات دانشگاه تهران.

آنچه پیش رو دارید اقتباسی است از مقاله "بودیزم" کتاب Our Religions (آشنایی با شش دین بزرگ جهان) ویراسته آرویند شرما که انتشارات HarperSanFrancisco به سال ۱۹۹۵ منتشر کرده است. کتاب یاد شده در ۵۳۶ صفحه و هفت بخش به معرفی هفت دین بزرگ جهان می‌پردازد: هندوئیسم (نوشته آرویند شرما Arvind Sharma استاد ادیان تطبیقی دانشگاه مک گیل کانادا و مولف کتب و مقالات متعدد در حوزه هندوئیسم)، بودیزم (نوشته ماسائو آبه Masao Abe استاد مدعو گروه فلسفه دانشگاه پوردو، نویسنده کتب و مقالات متعدد در حوزه بودیزم، و برنده جایزه آکادمی دین آمریکا برای کتاب دن و اندیشه غربی)، کنفوسیوسیسم (نوشته دو وی - مینگ Tu Wei-ming استاد تاریخ و فلسفه چینی دانشگاه هاروارد و مؤلف کتب و مقالات متعدد در حوزه کنفوسیوسیسم)، تائوئیسم (نوشته لیو زیاوگان liu Xiaogan استاد مدعو گروه ادیان دانشگاه پرینسون و مولف کتب و مقالات متعدد در حوزه تائوئیسم)، یهودیت (نوشته یاکوب نوسنر Jacob Neusner استاد مطالعات دینی دانشگاه فلوریدای جنوبی، عضو مادام‌العمر کلرهل دانشگاه کمبریج، رئیس آکادمی آمریکایی دین در سالهای ۱۹۶۸-۶۹، و نویسنده کتب و مقالات متعدد در حوزه یهودیت)، مسیحیت (نوشته هاروی کاکس Harvey Cox استاد دانشگاه هاروارد و مولف کتب و مقالات متعدد در حوزه مسیحیت)، و اسلام (نوشته سید حسین نصر Seyyed Hossein Nasr استاد مطالعات اسلامی دانشگاه جورج واشنگتن و مولف کتب و مقالات متعدد در حوزه اسلام). آنچه کتاب مذکور را از دیگر کتب مشابه متمایز می‌سازد این نکته مهم است که هر آیین توسط فردی صاحب‌نظر و در عین حال مومن به همان آیین معرفی شده است. سرآغاز کتاب این جملات دلبلیو بی. کریستسن (W.B.Kristensen) است که: «فراموش نکنیم که هیچ واقعیت دینی جز باور مومن بدان دین وجود ندارد. اگر واقعاً می‌خواهیم دین را درک کنیم باید منحصرأ به شهادت این مومن رجوع کنیم. آنچه در باب ماهیت یا ارزش دیگر ادیان از دیدگاه خود معتقد می‌شویم شهادتی معتبر برای اعتقاد خود ما، یا درک خود ما، از ایمان دینی است. اما اگر نظر ما در باب دینی دیگر با نظر و ارزیابی مومنان بدان دین متفاوت باشد دیگر درباره دین آنان سخن

نمی‌گوییم؛ ما از واقعیت تاریخی کناره گرفته و فقط دلمشغول خود شده‌ایم.»  
شرما در مدخل کتاب می‌گوید: «شاید هیچ کتابی در باب ادیان جهان نتواند  
آخرین یا نهایی باشد، اما می‌تواند بی‌همتا باشد. کتاب ما به چند وجه  
بی‌همتا است: نخست اینکه هر نویسنده به همان سنتی تعلق دارد که در باب آن  
می‌نویسد. او نه تنها از سنت خویش سخن می‌گوید، بلکه حضورش در صحنه  
قادرش می‌سازد تا به سود سنت خود سخن راند. به علاوه، ایستاده بر لبهٔ بران  
سنت در مواجهه با تجدد، می‌تواند به مسائل جدید پیش‌رو سنت خویش  
بپردازد بدانگونه که دیگران پیش از این به ندرت بدان پرداخته و بسیار کمتر در  
این باب توفیق یافته‌اند. و سرانجام، این واقعیت که تمامی سخن‌گویان از حوزه  
مطالعات دانشگاهی (academic) بدانگونه که در غرب شکل گرفته است دربارهٔ  
سنت خویش می‌نویسند کارشان را بیش از پیش بی‌همتا می‌سازد.»  
نظر به اختصار، سودمندی و اتقان این اثر مقاله بودیسم از این مجموعه برای  
این شماره مجله در نظر گرفته شده است.

### درآمدی بر بودیسم

چنانچه واژهٔ ذن و مسیر طولانی را که با گذار از هند، چین، ژاپن، و آسیای  
میانه تا رسیدن به غرب پیموده است ردیابی کنیم و نیز در نظر بگیریم که آیین  
بودا هرکسی را که تمایل به قبول آن دارد می‌پذیرد بدون اینکه او را ملزم به  
استفاده از زبان و فرهنگی خاص سازد، می‌توانیم وسعت قلمرو بودیزم و  
گسترده‌گی حوزهٔ مخاطبان آن را دریابیم. بودیزم از همان ابتدا آموزهٔ «به‌کارگیری  
ماهرانهٔ وسایط (Upaya – Kausalya)» را در تبلیغ تعالیم خویش به کار گرفته  
و بر این اساس با نخبگان آیین هندو به زبان سانسکریت و با چینیان به زبان  
چینی سخن گفته، در تبت که پیش از بودا مردمان پیرو دینی با جلوه‌های  
جادویی بوده‌اند خود را با سیمایی جادوگون نمایان ساخته، و در جنوب آسیا  
خویش را در صورت محبوب پرستش ارواح جای داده‌است. برای تعریف آیینی که  
حوزه‌ای با این افتراقها را تحت پوشش دارد و از خصیصهٔ انطباق‌پذیری و سازش  
با محیط برخوردار است، باید مشخصه‌های اصلی شکل دهندهٔ آن را برشمرد.  
گرچه عموماً بوداییان را پیروان بودا قلمداد می‌کنند و اصول این آیین را

عوذات سه‌گانه (trisarana = جملاتی که شهادت آیین بوداست و هر بودایی همواره آن را تکرار می‌کند، یعنی «من می‌روم که به بودا پناه برم، من می‌روم که به درمه Dharma پناه برم، من می‌روم که به سنگه Sangha پناه برم» که بعدها زیورهای سه‌گانه و حتی گنجینه‌های سه‌گانه خوانده و در تبت عوذه چهارم پناه بردن به لاما، به معنای معلم، بدان افزوده شد) می‌دانند، باید گفت که این آیین قدیمی‌تر از این عوذات است و در ابتدای امر صرفاً با این جمله بودا که: «پیش آی، ای راهب!...» شخص به جامعه بوداییان راه می‌یافته است؛ همچنین بودا (به معنای آنکه روشنی یافته) لقب است نه اسم و پیش از گوتمه بودا و پس از او بوداهایی وجود داشته‌اند (و درواقع نام بودای پس از او را دقیقاً می‌دانیم: میتریه Maitreya) و حتی بینشهای بودایی نخستین وجودی مستقل از بودا داشته‌اند. بدین جهت باید بودیزم را با مشخصه دیگری متمایز ساخت، و این مشخصه همانا «چهار حقیقت شریف» است که در نخستین موعظه بودا در سارنات در نزدیکی بنارس - پس از آنکه تصمیم گرفت به روشنی خویش اکتفا نکند و به تبلیغ بپردازد - مطرح شده‌اند. اولین حقیقت شریف، وجود رنج است که هنگام تولد و مرگ و بیماری و پیری رخ می‌نماید. دومین حقیقت، علت این امر را وجود آرزو می‌داند. سومین حقیقت، توجه را به این نکته جلب می‌کند که چون رنج بردن علت دارد پس می‌توان آن را با از بین بردن علتش از میان برداشت. و چهارمین حقیقت، دستورالعملی دقیق برای از میان بردن این علت به‌دست می‌دهد. این برنامه هشت ماده‌ای، که به «طریق هشتگانه» معروف است، مشتمل است بر: ایمان درست، نیت درست، گفتار درست، کردار درست، زیست درست، کوشش درست، پندار درست، و مراقبه درست. معنای «درست» در هر یک از این موارد را سنت تبیین می‌کند؛ به عنوان مثال گفتار درست یعنی اجتناب از تند سخن گفتن، دروغ گفتن، بیهوده گفتن، و مغرضانه گفتن. طریقه هشتگانه به نیروانه (Nirvana) می‌انجامد: هدف ممتاز بودیزم که رهایی از تمامی رنجها را در پی دارد. نکته کانونی این تعالیم رهایی از خود و رسیدن به «ناخود» است. بر اساس تعالیم بودایی وجود نفس، خود، یا آتمن (Atman) وجودی خیالی و موهوم و بدون مابازاء در خارج است و این باور به خود است که

منشأ همه رنجها می‌شود. نکته دیگری که در تعریف بودیزم از اهمیت خاصی برخوردار است توجه به واژه درمه است. بلافاصله بعد از درگذشت بودا، پیروانش تعالیم او را به دو دسته وینه‌یه (Vinaya به معنای نظام، دربردارنده دستورهای بودا) و درمه (Dharma به معنای آموزه، در بردارنده سخنان بودا) تقسیم کردند. اما بوداییان برای اشاره به کل این مجموعه واژه درمه به کار می‌برند که دست‌کم چهار معنای ضمنی دارد: حقیقت مطلق، کردار صحیح، آموزه (سه معنایی که ادیان برآمده از هند کم و بیش در آن مشترکند)، و معنایی خاص آیین بودا که برای اشاره به آخرین اجزای تجربه به کار می‌رود و بیان‌کننده حادثه‌ای غیر شخصی است که ارزشمندترین دستاورد یک راهب بودایی تلقی می‌شود. درمه نه فقط دربردارنده اشیاء و حالات مشروط، بلکه غیر مشروط، مطلق و نیروانه است و هیچ چیز خوب یا بد، مشروط یا غیر مشروط، و مطلق یا نسبی در این جهان و خارج از آن وجود ندارد که در این واژه مندرج نباشد. با ترکیب معنای اول و چهارم واژه درمه، می‌توان بودیزم را نظامی دینی دانست که «درمه را به زبان درمه‌ها تعریف می‌کند».

### خدا و وحی

در مقایسه با ادیان بزرگ موجود در غرب - یهودیت، مسیحیت، و اسلام - که در سه مفهوم خدا، نبوت، و وحی به طور اصولی مشترکند (در عین اختلافی که در جزئیات این مفاهیم دارند)، بودیزم نه به خدای واحد بلکه به خدایان معتقد است و این خدایان نیز هیچ خصوصیت برجسته‌ای ندارند جز اینکه با انجام افعال بسیار ارزشمند در حیات گذشته خویش و دستیابی استثنایی به کرمه نیک در سلسله مراتب کیهانی جایگاهی خاص یافته‌اند. مفاهیم نبوت و وحی را نیز باید در این آیین کنار گذاشت، یا معنایی کاملاً دیگرگون بدانها بخشید. بودا نه یک پیامبر، که یک معلم است و آنچه می‌گوید نه وحی، که تعالیم است. ممکن است برخی معلمان از خدایان سخن بگویند، اما این سخن گفتن نه از صفات خلق و قدرت و علم خدایان بلکه از ارزشمندی اخلاق ایشان است؛ چه، بودیزم صفات ماوراءالطبیعی خدایان را انکار می‌کند اما صفات اخلاقی آنان را می‌پذیرد.

همچنین بودیزم فعل درست را جایگزین کلام درست می‌سازد و برای فعل اهمیتی بیش از سخن قائل است.

### وضعیت آیین بودا در جهان معاصر

بر اساس آمار سال ۱۹۸۸ بوداییان ۶٪ کل جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند که اکثر آنان در جنوب و شرق آسیا به سر می‌برند - گرچه در آمریکای لاتین، اروپا، آمریکای شمالی، و شوروی سابق نیز با شماری کمتر و در آفریقا و اقیانوسیه با شماری بسیار کمتر وجود دارند. البته وضعیت در آغاز قرن بیستم کاملاً متفاوت بود؛ شکل‌های *مه‌ایانه بودیزم* (Mahayana Buddhism) دین اصلی چین، تبت، کره، مغولستان، و تا حدی ژاپن به شمار می‌رفت و بیشتر مردم شرق آسیا پیرو شکل‌هایی از *تره‌واده بودیزم* (Theravada Buddhism) بودند. اما صرف نظر از احیای شیئتو در ژاپن تحولات سیاسی، کره شمالی را به دامان کمونیزم افکند و در نتیجه از شمار پیروان آیین بودا به شدت کاست.

در این میان موضع بودیزم نسبت به کمونیزم قابل توجه است. بودیزم از یک سو با انکار خدا و ترجیح دادن ماده بر ذهن و نیز اعتقاد خاص خود دربارهٔ اموال به کمونیزم نزدیک، و از سوی دیگر با اختلاف در مورد مقیاس اشتراک در اموال و چگونگی سرنوشت انسانها از آن دور می‌شود. اعتقاد کمونیزم به تساوی بدون استثنای انسانها، تفوق ماده، و تضاد طبقاتی از یک سو و عدم اعتقاد آن به کرمه و تولد دوباره از سوی دیگر این دو مکتب را در مقابل یکدیگر قرار می‌دهد.

نکته قابل توجه دیگر رابطه بودیزم با علم است. در این خصوص می‌توان گفت که جهان‌بینی بودایی از جهان‌بینی‌های تمامی دیگر ادیان به علم تجربی نزدیکتر است، بدان جهت که: (۱) موضع بودیزم نسبت به واقعیت، باز است نه دگم و جامد، (۲) بودیزم تمایل دارد دیدگاهی طبیعی و نه فوق طبیعی نسبت به جهان داشته باشد، (۳) بودا از طریق روندی تجربی شبیه به آنچه در علوم تجربی مطرح است به نیروان رسید، و (۴) دیدگاه‌های علم جدید برخی دیدگاه‌های خاص بودایی همچون دیدگاه آن در خصوص زمان، فضا، و ماده را تأیید کرده یا دست‌کم با آن هماهنگ است.

## اشکال مختلف آیین بودا

تره‌واده (Theravada)، مه‌ایانه (Mahayana)، تنتره (Tantra)، و ذن (Zen) شکل‌های نظری و عقیدتی، و تریپیتکه (Tripitaka)، مه‌ایانه سوتره‌ها (the Mahayana Sutras)، تنتره (Tantra)، و متون ذن (Zen Texts) بیانگر شکل‌های منسکی و عملی بودیزم به شمار می‌روند.

«تره‌واده»، که مکتوبات آن به زبان پالی نوشته شده و بیشتر در جنوب آسیا توسعه یافته است، با داعیه حفظ اصالت تعالیم اولیه بودا و بدون اینکه اورا موجودی اساطیری بداند با ارائه تعالیمی خاص غایت اصلی را رهایی از رنج و وصول به نیروانه می‌داند که با رسیدن به مرتبه ارهت (Arhat = راهبی که به درجه اشراق رسیده) می‌توان بدان دست یافت.

«مه‌ایانه»، که اکثر آثار آن به زبان سانسکریت نوشته شده و بیشتر در شمال آسیا توسعه یافته است، جنبشی خودآگاهانه بود که به عمد خود را به این نام، به معنای «گردونه کبیر»، نامید تا در مقابل جنبش‌های نخستین بودایی که به هینه‌یانه (Hinayana) به معنای «گردونه صغیر» معروف بودند قرار گیرد. این جنبش تعالیم تمامی بوداها و نه فقط یک بودا را می‌پذیرد، هدف خود را نجات تمامی موجودات ذی‌شعور و نه فقط انسانها می‌داند، تهیگی (emptiness) نه فقط شخصیت انسانها بلکه تمامی درمه‌ها را تعلیم می‌دهد، فعالیت تمامی بودی‌ستوها (Bodhisattvas = بوداهای در کمون) و نه فقط بوداها را نجاتبخش تلقی می‌کند، و صورت آرمانی نه ارهت بودن بلکه خود بودا بودن را تبلیغ می‌کند.

«تنتره» می‌آموزد که اگر هم جهان عینی وهم جهان ذهنی تهی از واقعیت و خیالی‌اند، پس شخص می‌تواند در هرکدام که خود برمی‌گزیند بزید؛ و شخص ممکن است زیستن در دنیای ذهنی را ترجیح دهد بدین دلیل که دستکاری در آن یا براساس خواسته‌های دنیایی یا برای دستیابی به اهداف و غایات معنوی آسانتر است. گونه آرمانی در این شکل از بودیزم نه ارهت و نه بودی‌ستوه، بلکه سید/ (Siddha = خبره در این فنون دخل و تصرف) است.

«ذن» انتقالی خاص به خارج از آموزه‌هاست که نه با ترتیب دادن سخنان مکتوب به عنوان مرجع، بلکه با اشاره مستقیم به قلب انسان موجب می شود که فرد ماهیت خود را ببیند و بودا شود.

#### چند نکته

۱. اگر آیین بودا را به یک بنا تشبیه کنیم، درمه علت صوری و نیروانه علت غایی این بنا خواهد بود.

۲. تهیگی (شونیه تا = Sunyata)، که بودیزم آن را به عنوان حقیقت غایی تلقی می کند، مفهومی بسیار بااهمیت در آیین بودا است و مراد از آن تهی از واقعیت بودن جهان خارج علی‌رغم ظاهر واقع نمای آن است.

۳. بودیزم همچون مسیحیت و اسلام دینی تبلیغی است که با گذار از جامعه ای که در آن پدید آمده خود را به دیگر فرهنگها عرضه کرده و به تأثیر و تأثر متقابل دست یازیده است - گرچه شیوه‌های این سه آیین در این خصوص با یکدیگر تفاوت دارد.